

آنچه در بعد از انقلاب اسلامی، و در طول این چهل سال در کشور ما آغاز شده است نیز از همین جنس است. ما در ابتدای یک حرکت تمدنی قرار داریم و راه طولانی در پیش است. «چهل سال زمان زیادی نیست؛ در تاریخ یک ملت، چهل سال چیز زیادی نیست، چیز کمی است.» نگاه تمدنی و تاریخی علاوه بر آنکه وسعت دید را گسترده می‌کند، در نوع تحلیل وقایع و حوادث جاری هم اثرگذار خواهد بود. مصائب و مشکلات مسیر با نظرگاهی تاریخی و تمدنی، بیش از اندازه‌ای که هستند بزرگ تلقی نمی‌شوند و لاینحل باقی نمی‌مانند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۲۸ / شنبه بیست و دوم دیماه ۱۳۹۷

گل آلود کردن سرچشمه

صبح نو: قم، سرمنشأ اصلی انقلاب اسلامی است و اکنون دارای حجم متراکمی از نخبگان، سازمان‌ها و گفتمان‌هایی است که در ذیل حکمرانی جمهوری اسلامی به وجود آمده‌اند. منطق سیاسی حکم می‌کند که اگر جریان برانداز و نظام سلطه بخواهد خدشه‌ای به انقلاب وارد کند، ریشه‌های بنیادین آن را مخاطب قرار دهد. قم در چنین موقعیتی قرار دارد. تقریباً در تمامی ۴۰ ساله گذشته هم، اگر واقعه‌ای رخ داده، یا در این زمین ریشه داشته، یا آن را آماج حمله قرار داده است. چند صباحی است که نگرانی‌هایی در باب حال و روز مرکز فکری تشیع، بروز کرده که عمدتاً مختصاتی فرهنگی و معرفتی دارد؛ بخشی از آن به حوزه فرهنگ عمومی مرتبط است و بخشی دیگر به نقش‌آفرینی حوزه‌های تفکر و علمی. امام خمینی(ره) در جایی در مورد قم فرمودند: «توجه داشته باشید کتاب‌ها و چیزهای دیگری که از قم منتشر می‌شود، غیر از کتاب‌هایی است که در سایر شهرها منتشر می‌شود. قم، شهر علم و اسلام است. اگر خطایی از قم منتشر شود در دنیا، علم می‌شود. این موضوع هم باید مورد توجه باشد که از قم چیز خلافی منتشر نشود.» تعمیم این هشدار به همه ساحات قم می‌تواند نشانگر جایگاه و در عین حال شرایط خطیری باشد که از ناحیه دشمنان آگاه و دوستانی غیرآگاه، بروز کند و خسارتش در طولانی مدت برای تشیع و ایران باشد.

زمان مسئولیت‌پذیری فرا رسیده است

جوان: اما ضعف دستگاه‌های اجرایی و ناتوانی دولت در مدیریت صحنه اقتصادی کشور سبب سوءاستفاده فرصت‌طلبان و روند روبه‌رشد قیمت‌ها و فشار مضاعف بر مردم گردیده است. این در حالی است که رئیس محترم دولت که باید به دلیل مسئولیت اجرایی کشور پاسخگوی نابسامانی‌های شرایط اقتصادی و رهاشدگی بازار و هدر رفت بودجه‌های ریالی و ارزی کشور باشد، خود در موضع منتقد قرار گرفته و به انتقاد از وضعیت نامناسب بازار و روند قیمت‌هایی می‌پردازد که تعیین‌کننده اصلی بسیاری از آن‌ها دستگاه‌های دولتی هستند.

ضعف دولت در مدیریت صحنه به گونه‌ای است که رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس چند روز پیش اعلام کرد که حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از منابع کشور، یعنی یک‌سوم بودجه عمومی در سال به دلیل عدم نظارت دولت بر قیمت‌ها بر باد فنا می‌رود. این در حالی است که چهارم دی ماه رئیس‌جمهور هنگام ارائه بودجه سال ۱۳۹۸ به مجلس دو عامل «بازگشت تحریم‌ها» و «ساختار ناسالم» اقتصادی را به عنوان عوامل اصلی مشکلات اقتصادی شرایط کنونی اعلام کرد. بدون آنکه

برای سیاستگذاری‌های نامناسب اقتصادی و فرصت‌طلبی برخی مدیران و عدم باور برخی از آنان به ضرورت تقویت ظرفیت‌های ملی برای مقابله با جنگ اقتصادی دشمن سهمی قائل باشد.

مروری بر روند تحولات اقتصادی کشور در یک سال گذشته بیانگر آن است که اگر مسئولان اقتصادی و اجرایی کشور درک و برنامه‌ریزی درستی از شرایط جنگ اقتصادی دشمن و پیش‌بینی تبعات تحریم‌های اقتصادی که ماه‌ها قبل از اعمال دشمنان مردم ایران اعلام کرده بودند، داشتند شرایط اقتصادی این‌گونه نبود که از یک سو بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار از ذخایر ارزی به فروش رفته که عمده آن از کشور خارج شود و بیش از ۱۸ میلیارد دلار نیز به کسانی برای واردات اختصاص یابد که به جای ورود کالا و تأمین نیازهای مردم، از بازار سیاه ارز سر برآورده و بر بحران ارزی دامن زده است. مقام معظم رهبری در دیدار روز چهارشنبه مردم قم با تبیین نقشه دشمن در مواجهه با مردم ایران در جنگ اقتصادی، به‌رغم ضعف‌های گذشته، مسئولیت مسئولان را در عبور از شرایط پیش رو مورد تأکید قرار دادند. ایشان با اشاره به تمرکز دشمن بر افزودن بر مشکلات معیشتی مردم و با توجه به کمبود منابع کشور، گلایه می‌کنند که چرا با وجود تذکرات مکرر، افرادی ظالمانه این منابع را می‌بلعند و با دلال‌بازی و انحصارطلبی در تجارت مانع پیشرفت کشور می‌شوند و در تقویت تولید داخلی کارشکنی می‌کنند.

ماله‌کشی روزنامه اجاره‌ای بر بزرگ‌های خود نسبت به اروپا

کیهان: روزنامه اجاره‌یی که تا همین چندماه قبل مشغول بزرگ اروپا بود، اکنون می‌گوید اروپا ناتوان از ایجاد کانال مبادلات مالی با ایران است. روزنامه آفتاب یزد پیش از این تیترو عکس اول خود را به موگرینی اختصاص داده و با لحنی فریبکارانه و خلاف واقع تیترو زده بود: «هرچه تهران بگوید!» این روزنامه که از بزرگ‌کنندگان آمریکا در اوج مذاکرات برج‌جانی بود سردبیر این روزنامه (مجتبی - و) از عناصر نفوذی در حلقه اطرافیان کروی بود که از کشور گریخت و در خدمت صدای آمریکا و برخی رسانه‌های مشابه درآمد.

اکنون آفتاب یزد پس از آشکار شدن دست آمریکا و اروپا در تیترو با عنوان «ایجاد کانال مالی ناکام ماند؟»، می‌نویسد: «پس از ماه‌ها انتظار سرانجام اروپایی‌ها آب پاکی را روی دست ایران ریختند و بر ناتوانی خود در اجرای تعهدات مرتبط با کانال مالی اذعان کردند. این اتفاق در حالی رخ داد که پیشتر بسیاری از صاحب‌نظران بدبینی‌های زیادی به شکل‌گیری کانال مالی میان اروپا و ایران داشتند. استدلال کارشناسان این بود که دولتها در اروپا نمی‌توانند شرکت‌های فعال در کشور خود را ملزم به همکاری و پذیرش سیستم مالی نمایند چرا که آنها نگران تحریم شدن از سوی آمریکا هستند.

با این حال اتفاقات روزهای اخیر هم حاکی از آن بود که اروپا علاوه بر محقق نکردن وعده کانال مالی یک تحریم جدید بر علیه یک نهاد ایرانی برقرار کرده است. اعمال این تحریم از سوی اروپا درست چند روز پس از آن صورت گرفت که آنها اعلام کردند که نمی‌توانند SPV (سیستم اروپایی جایگزین سوئیفت) را برای حفظ برج‌جانی و به عبارتی تداوم فعالیت مالی با تهران فعال کنند. به دنبال این رویداد، محمود واعظی خبر داد که اروپایی‌ها از ایران به دلیل اجرایی نشدن SPV عذرخواهی کردند. این اظهارات در حالی بود که وی تقریباً چند هفته قبل گفته بود اروپایی‌ها تا دو هفته دیگر SPV را اجرایی می‌کنند. با این حال واعظی در توضیح این اتفاق گفت: من هیچ‌گاه نگفتم SPV تا دو هفته دیگر اجرایی می‌شود، بلکه گفتم تا آخر سال میلادی این اتفاق رخ می‌دهد یعنی همان حرفی که خانم موگرینی زده بود را گفتم.» این روزنامه اجاره‌ای می‌افزاید: «در خود اروپا از ابتدا، عزم جدی برای راه‌اندازی کانال مبادلات مالی وجود نداشت. اکنون کاسه صبر تهران در حال لبریز شدن است.»

خاستگاه این سلاطین کجاست؟

جمهوری اسلامی: چرا برای پایان دادن به جنگ قدرت، اقدامی نمی‌شود؟ چرا ریشه اختلافات سوزانده نمی‌شود؟ چرا گرایش‌های جناحی در انتصاب‌ها هر روز قوی‌تر می‌شود؟ چرا شایسته‌سالاری به فراموشی سپرده شده است؟ چرا فامیل‌سالاری رایج شده است؟ چرا کارخانه ابوالمشاغل سازی هر روز فعال‌تر می‌شود؟ اگر به این سوال‌ها پاسخ بدهیم و مسئولان، این دردها را درمان کنند، هرگز بحران اقتصادی نخواهیم داشت. علت اینکه تلاش‌های چندین ساله برای شکل دادن به اقتصاد مقاومتی به جایی نرسیده نیز همین است که این دردها درمان نشده‌اند. وقتی خود نمایندگان مجلس بگویند راهروهای مجلس به محل دلال بازی و کارچاق کنی تبدیل شده، وقتی وزرا از ترس استیضاح، به خواسته‌های وکلای مجلس تن در بدهند و هیچکس از آنها برای مقاومت در برابر فشارها حمایت نکند، وقتی دولت استانداران را طبق میل و نظر وکلای استان‌ها منصوب می‌کند، چگونه می‌توان برای انتصاب وزیر و استاندار و معاون وزیر و مدیران کل و فرمانداران و بخشداران و روسای ادارات انتظار شایسته‌سالاری داشت؟ در این نظام انتصاباتی «ملاحظه‌سالاری» فقط می‌توان انتظار پیدایش سلاطین سکه و قیر و کاغذ و سلطان‌های دیگر را داشت که خون مردم را می‌مکند و هنگامی که اعدام می‌شوند نیز با وجود مکندۀ هائی که بر جا گذاشته‌اند همچنان خون مردم مکیده می‌شود و مشکلی از اقتصاد حل نمی‌شود.

نمی‌خواهیم بگوئیم قوه قضائیه با مفسدان اقتصادی برخورد نکند و نمی‌خواهیم بگوئیم مراکز نظارتی که متأسفانه بسیار ضعیف عمل می‌کنند به وظایف خود عمل نکنند، بلکه می‌خواهیم بگوئیم مسئولان نظام کاری کنند که ریشه مفساد خشک شود و زمینه‌ای برای پیدایش این سلطان‌ها وجود نداشته باشد. رئیس‌جمهور آمریکا و مشاور امنیت ملی او اگر هوس می‌کنند بگویند مردم ایران ۴۰ سالگی انقلاب و نظام را نخواهند دید، این توهم با مشاهده آن جنگ قدرت به آنها دست داده است. در شرایط کنونی قطعاً آنها نمی‌توانند این رویا را به واقعیت تبدیل کنند ولی برای آنکه آنها هرگز نتوانند به این آرزوی خود برسند، باید ریشه جنگنا قدرت در کشورمان را برای همیشه بخشکانیم.

استراتژی عبور از بحران

انتخاب: آنچه در رفتارشناسی مباحث ترامپ باید مورد توجه قرار داد: ۱- کالبدشناسی شخصیت ترامپ بیانگر بی‌ثباتی، اغتشاش فکری، عدم درک لازم از دیپلماسی و مبانی حقوق بین‌الملل است؛ همان تعبیری که رئیس‌جمهور داشت که یک برج‌ساز نمی‌تواند سیاستمدار باشد. ۲- عکس‌العمل جهانی نسبت به این پدیده قابل توجه است. وجه تمایز این مساله نسبت به دولت‌های قبلی آمریکا، ناتوانی در کسب اجماع جهانی برای تقابل با ایران است. به جز رژیم صهیونیستی و چند کشور مرتجع عربی، دیگر مواردی چون اتحادیه اروپا، دولت‌های بزرگ چین و روسیه و سایر دولت‌های جهان نه تنها همگرایی با ترامپ را اعلام نکردند بلکه در نقطه مقابل، وفاداری به برج‌ساز را به عنوان یک سیاست رسمی اعلام کردند. ۳- رفتار افکار عمومی آمریکا نیز جالب توجه است. آمارها و سنجش‌های میدانی نشان می‌دهد که افکار عمومی آمریکا نسبت به رفتار نابخردانه ترامپ واکنش منفی نشان داده‌اند. ۴- نکته چهارم و اساسی نوع واکنش ما نسبت به این پدیده است. سه رویکرد می‌تواند در تعیین استراتژی ما دخیل باشد؛ اول رویکرد احساسی زودگذر و پرهزینه، دوم رویکرد انفعالی بی‌توجهی یا کم‌توجهی به ابعاد مساله و در حقیقت پاک کردن مساله و سوم رویکرد عقلانی و بلندمدت با اولویت منافع و مصالح ملی. قطعاً نظام و خصوصاً دولت استراتژی سوم را مبنای عمل قرار

خواهند داد و محور تصمیم‌گیری‌ها، اقدامات و برنامه‌های آتی با تجربه طولانی دیپلماسی و مدیریت بحران، تعیین استراتژی کل‌نگر، همه‌جانبه‌نگر و جامع‌نگر خواهد بود.

اما خارج از این ابعاد چهارگانه نقطه ثقل و اساسی مدیریت بحران در مفهومی به نام انسجام و وحدت ملی نهفته است. عکس‌العمل ملت مقابل این پدیده، تقویت انسجام ملی زیر چتر مقام معظم رهبری و مراجع اصلی تصمیم‌گیری خواهد بود. آنچه دغدغه مشترک است، تاثیرپذیری از عملیات روانی دشمن جاهل در فضای رسانه‌ای است. باید باور داشت که بخش زیادی از موفقیت دشمن در این پروژه از طریق عملیات روانی گسترده برای ناامید کردن ملت بوده است. نقطه مقابل این پدیده ایجاد فضای ثبات، آرامش، امنیت ذهنی و روانی با درک واقعیت‌ها است. ملتی که انقلاب اسلامی، جنگ، کودتا و تحریم‌های گسترده را تحمل کرده است، به آسانی می‌تواند از این پدیده غیرانسانی هم عبور کند. آخرین مخاطب اصحاب رسانه و شبکه‌های مجازی است. رسانه اعم از صداوسیما، مطبوعات، روزنامه‌ها و شبکه‌های مجازی در مدیریت افکار عمومی و ایجاد آرامش اجتماعی نقش بی‌بدیلی دارند. می‌توانند با درک حساسیت شرایط خاص امروز به جای طرح مسائل حاشیه‌ای به وحدت و انسجام ملی بپردازند. رهبری هوشمند و رییس‌جمهور با تجربه، آشنا به فنون دیپلماتیک و مدیریت بحران، ملت وفادار، توسعه و تعالی انقلاب اسلامی را با سرعت بیشتر طی خواهند کرد.

صفرهای مهم‌تر از یک

رسالت: «صفر» بازهم صدرنشین اخبار شد. عیبی هم ندارد، مسئله‌ای است که باید اهالی اقتصاد به آن بپردازند و بررسی کنند اما نکته اینجاست که عموم اقتصاددانان، بر این نکته متفق القولند، این حذف و اضافه‌های صفری، «تقریباً هیچ» دردی را دوا نمی‌کند و به عبارتی صفربازی‌ها علاج بیماری اقتصاد ما نیست؛ نهایتاً مکمل است، آن‌هم برای اقتصادی که ثباتش قطعی شده نه اوضاع و احوال کنونی اقتصاد کشور. عادت کردیم به فرار از زیر بار مسئولیت اصلی، آن‌هم به وسیله طراحی یک زمین‌بازی فرعی و بحث‌های چالش‌برانگیز و جنجالی؛ چراکه بازی در زمین اصلی و با حریف قدر و دست‌وپنجه نرم کردن با غول‌های تورم و بیکاری و اشتغال و ... بدنی ورزیده و آماده می‌خواهد.

این جنس صفرها فقط در اقتصاد نیستند، در فرهنگ می‌شود صفری به نام کنسرت پیدا کرد، در امور اجتماعی صفری به نام حضور بانوان در ورزشگاه خودنمایی می‌کند، در سیاست، رفع حصر می‌شود صفر، در فضای بین‌الملل یک روز برجام «تقریباً هیچ» و یک روز SPV سرکاری و قس علی‌هذا. کاسبی با این صفرها برای برخی خیلی سود دارد. مثلاً بودجه نهادهای فعال و انقلابی که سرجمعش به نسبت بودجه کشور، تقریباً صفر است را بولد می‌کنند و از پاسخگویی نسبت به دوسوم بودجه کل کشور که در اختیار مؤسسات و شرکت‌های دولتی است، فرار می‌کنند.

